

2

1

1

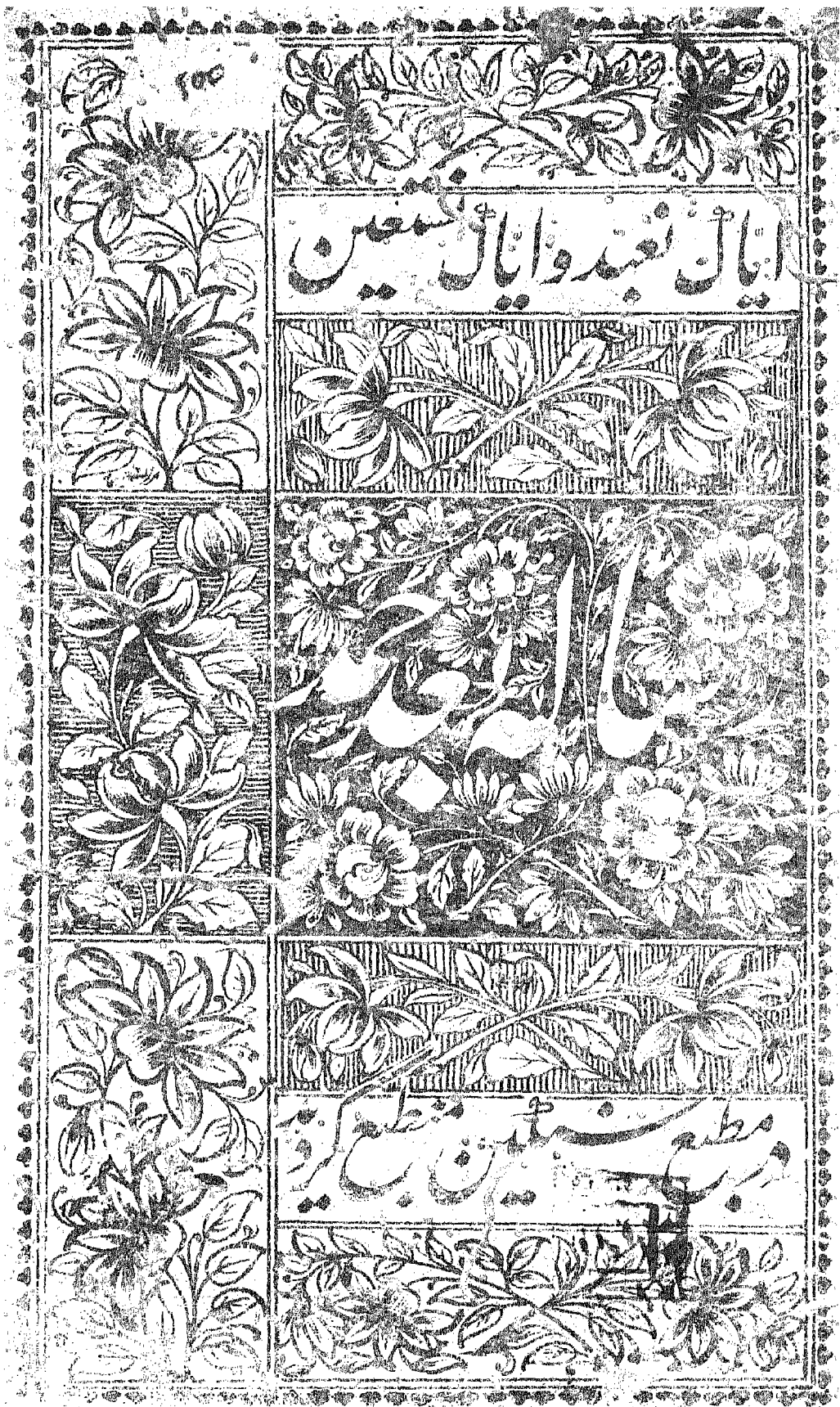
1

No.

No.



1. The book must be returned on the date stamped above.
2. A fine of Re. 1-00 per volume per day shall be charged for text-books and 10 Paise per volume per day for general books kept over - due.



RECEIVED 2004

M.A. LIBRARY, A.M.U.



PE7099

RECEIVED 2004

11

99

M.A. LIBRARY, A.M.U.

PE7099

سخن حق گویند جان بشنو ^۱ میکند جان فانی پان بشنو
 در بیان عشق و محبت ^۲ حصول محبت کوید
 امی مکتب حصول این پنج ^۳ بکلمه نیک تر از این است
 در بیان جمال حصول محبت ^۴ کوید
 هست تو خدای خالق و اد ^۵ باید غافل و بنوع است
 حاصل چارم که است بدن ^۶ که بدین اصل کامل است
 اصل پنجم که است غیر معاد ^۷ یادگیر و بدان طریق شاد
 در بیان افضل حصول محبت ^۸ کوید
 اگر بدانی تو معنی توحید ^۹ در و کنی سوی عالم تفرید
 از پندیده چهارم است ^{۱۰} مستقیم است او نیست
 در بیان صفات ثبوتیه کوید ^{۱۱}
 ثابت فلان در شست چنان ^{۱۲} حسی و در که در قدیم در
 علم و قادر است بر همه چیز ^{۱۳} بسکلم مرید و حیوان و نیز
 در شناسی حق ^{۱۴} بجا نه تعالی کوید
 خالق جن و انس و سما ^{۱۵} صمد و واحد است بی شریک

[Marginalia in Persian script, including commentary and additional verses, written in various directions around the main text.]

در بیان صفات بلیغ گوید
نیت در استکبریات و حقانیت
کاره از فعلها می نایب
نیت بر روی عیون است
نیت بر صانع و دو عالم
نیت محتاج و دیدنی هم
نیت بر کسب و برتری است
نیت محتاج و جایی است
در بیکان جهت مدال و
که بر این صفات نیست و
وزیران عدل و سبحانه که
عادل است و یکسان عدل و
بر چه او میکند همه نیکوست
ار قیام حمت و رحمت
خرد و لغت بر اهل ظلم تمام
همه بشما بعدل و مت
تسکین را نمیکند گمراه
نیت اضی کفر کافر هم
در بیان نبوت نبیها گوید
فهم و ویر که سخن با واده
بها نیت در راه و مت با
که همه مادی اند و راه نما
در بیان نبوت پیغمبر فاضل
ایده عایه و آله گوید

Handwritten Persian script, likely a manuscript page. The text is dense and written in a cursive style characteristic of the Safavid or Qajar periods. It appears to be a single column of text, possibly a letter or a section from a larger work.

۱۹۵۸
 ۱۹۵۹
 ۱۹۶۰
 ۱۹۶۱
 ۱۹۶۲
 ۱۹۶۳
 ۱۹۶۴
 ۱۹۶۵
 ۱۹۶۶
 ۱۹۶۷
 ۱۹۶۸
 ۱۹۶۹
 ۱۹۷۰
 ۱۹۷۱
 ۱۹۷۲
 ۱۹۷۳
 ۱۹۷۴
 ۱۹۷۵
 ۱۹۷۶
 ۱۹۷۷
 ۱۹۷۸
 ۱۹۷۹
 ۱۹۸۰
 ۱۹۸۱
 ۱۹۸۲
 ۱۹۸۳
 ۱۹۸۴
 ۱۹۸۵
 ۱۹۸۶
 ۱۹۸۷
 ۱۹۸۸
 ۱۹۸۹
 ۱۹۹۰
 ۱۹۹۱
 ۱۹۹۲
 ۱۹۹۳
 ۱۹۹۴
 ۱۹۹۵
 ۱۹۹۶
 ۱۹۹۷
 ۱۹۹۸
 ۱۹۹۹
 ۲۰۰۰
 ۲۰۰۱
 ۲۰۰۲
 ۲۰۰۳
 ۲۰۰۴
 ۲۰۰۵
 ۲۰۰۶
 ۲۰۰۷
 ۲۰۰۸
 ۲۰۰۹
 ۲۰۱۰
 ۲۰۱۱
 ۲۰۱۲
 ۲۰۱۳
 ۲۰۱۴
 ۲۰۱۵
 ۲۰۱۶
 ۲۰۱۷
 ۲۰۱۸
 ۲۰۱۹
 ۲۰۲۰
 ۲۰۲۱
 ۲۰۲۲
 ۲۰۲۳
 ۲۰۲۴
 ۲۰۲۵
 ۲۰۲۶
 ۲۰۲۷
 ۲۰۲۸
 ۲۰۲۹
 ۲۰۳۰

اعدائے ان محکمہ است تحقیق

بعد از آن عسکر شیب و انام

این اعلان که کرده معلوم

منست حکمتی که سر از بند پیا

فصل الثانی در بیان فضائل و مناقب

درسان منساو کوید

چندین مہینہ پہلے

دروکاهستان بوسق

چون بنشیند زین کردا

بسم الله الرحمن الرحيم

طهارت کنون

آن فہارت کہ میرے آرو

در بیان موجبات و ضرورت

روز خنجرها

ملک غازیہ شاہ

واجب است ضیاء و از دست
 نیت است و حکم بودن
 آنکه و صباح بودن آن
 شمس از محل رستن هر
 آنکه آهام گیرد و وسطی
 از قوت و درختی
 مسیح چون کنی و صبح و پاد
 غسل با فعل بیان با
 نزد از جهالت آیب
 مسیح کن پای رتبه اول
 بعد از ای آب بر عصا

[illegible]

در بیان تحقیق غسل کوید
هر غسل جنابت آری و بدن خویش را تمام
در بیان غسل رتاسی کوید
آنکه غسل رتاسی بجا بعدیت درون آب سرد
غسل باشد در وضویت یا شد مقدار بنیضوی از آن
در بیان غسل تریقی واجب است کوید
غسل ترتیب کر کنی این مشغول و جنابت او غسل
بعدیت بشوید و گردن نیمه راست و انگهی زدن
بعد از نصف یکدایم شستو عورتین با صبر و جانب
پس غسل سر را نکود و در نیت غسل در مقدار آن دار
آب بکد و مباح ندکن در مکان مباح ما و کن
نیت ترتیب واجب است بعد از شستن و باز ده شستو
بعد شستن آن فی مایه لافهام منع کردن حدیث آن بنگام
بعد از آن آب امی مختار شود مباح شستن خود کار
در بیان شمار غسل نامی واجب کوید که چند اند

شش و غسل و بقیه
بست غسل جنابت گیر
چار غسل است خاصه
پنج غسل است در میان
در میان جنبت می کشی گوید
بشنو از من مبادی آن غافل
در غسل جنبت نفس است
در میان آن که راه شرح
در غسل جنبت مبادی آن غافل

در مکان تو کمر نباشد آب
چون نیایی بنور بند سخن
بهدیم بدل غسل و صند
بست بعد از آن دست خاک
بدا دل
ضرب حد اگر بدل زخم
زونی از برای مسح سر
مسح پیش از دست و پا
بعد از آن مسح پشت و
لبک از بند سر گشتان
از کف دست مسح و سینه

[illegible]

بیداران و حیات مباهل
خاک پاک و مباح می باید
از توحید الایم مشغول
بجایگاه کعبه ملک ناب
در بیان نجاسات گوید
و ده موردی که نجاست
است انکسور چون بر آید
ساخت که است میت کافر
در بیان مطهرات گوید
قسمهای مطهرات ده است
نقد است و تقالید آن
پس و سجده و سلام
در بیان افعال نماز گوید
بغلهای نماز ای عاقل
نیت بیداران به گوید

بیداران و حیات مباهل
خاک پاک و مباح می باید
از توحید الایم مشغول
بجایگاه کعبه ملک ناب
در بیان نجاسات گوید
و ده موردی که نجاست
است انکسور چون بر آید
ساخت که است میت کافر
در بیان مطهرات گوید
قسمهای مطهرات ده است
نقد است و تقالید آن
پس و سجده و سلام
در بیان افعال نماز گوید
بغلهای نماز ای عاقل
نیت بیداران به گوید

بیداران و حیات مباهل
خاک پاک و مباح می باید
از توحید الایم مشغول
بجایگاه کعبه ملک ناب
در بیان نجاسات گوید
و ده موردی که نجاست
است انکسور چون بر آید
ساخت که است میت کافر
در بیان مطهرات گوید
قسمهای مطهرات ده است
نقد است و تقالید آن
پس و سجده و سلام
در بیان افعال نماز گوید
بغلهای نماز ای عاقل
نیت بیداران به گوید

بابت قامت بلوی بھڑما
لیڈران دروس میں

بابت قامت بلوی بھڑما
لیڈران دروس میں

در بیان نیت نماز از ارغون میگوید
 نیت کن باینکه خلاص : شوئی از خویشی این خلاص
 بقدر کسیر در قرآن کتب : معیش از افهم و باطن
 مطمئن باش در قیام و سج : با دل جان بر خضوع و شفع
 در بیان تذکره : بشکری که میگوید
 ذکر مشهور و دیگر : عارفانه رضای حق بخیر
 در بیان نیت نماز : در بیان نیت نماز
 از برای عبادت و عبود : از برای عبادت و عبود
 نیت عبادت و عبود : نیت عبادت و عبود
 هر دو که است و بسیار : هر دو که است و بسیار
 و در نیت و با بود و بگر : و در نیت و با بود و بگر
 عضو بار اجبائی شوم : عضو بار اجبائی شوم
 ذکر سبحان بی الاعلا : ذکر سبحان بی الاعلا
 سیر مشهور و بجه باشد : سیر مشهور و بجه باشد
 آنچه پوشند یا خور نام : آنچه پوشند یا خور نام
 از برای عبادت و عبود : از برای عبادت و عبود
 نیت عبادت و عبود : نیت عبادت و عبود
 هر دو که است و بسیار : هر دو که است و بسیار
 و در نیت و با بود و بگر : و در نیت و با بود و بگر
 عضو بار اجبائی شوم : عضو بار اجبائی شوم
 ذکر سبحان بی الاعلا : ذکر سبحان بی الاعلا
 سیر مشهور و بجه باشد : سیر مشهور و بجه باشد
 آنچه پوشند یا خور نام : آنچه پوشند یا خور نام

تشنه و گرسنه ای نهان و شهادت بگوید بی آن

صلوات رسول آن اول و بی برضوتی که مقبول

در میان سلام میکند

سلام از نماز بیرون بی بعد از آن رو خوشی رجا

در میان او را و تعقیبات می گویند

چون تعقیبات کشانی باز خوب آن بود که بعد نماز

آنچه تعیین نموده شیخ علی آن بخوانی که باشد اولی

بیچ تسبیح می خوانی بدو تسبیح حضرت پیرا

در میان مناسقات نماز می گوید

شماره کنون مناسقات نماز ای که در مانده براه نیا

آنچه باطل شود و طهارت باطل از روی بود نماز بد آن

یکمی هست بخت و فتح اینرا حق تو حصا ش که قریه ما

بخت قبله از نماز کنی باطل است ارجه با نیا کنی

مشت وقت اگر کنی نماز بد آن آن نماز خطا به سلطان

در میان سلام میکند
صلوات رسول آن اول
در میان او را و تعقیبات می گویند
چون تعقیبات کشانی باز
آنچه تعیین نموده شیخ علی
بیچ تسبیح می خوانی
در میان مناسقات نماز می گوید
شماره کنون مناسقات نماز
آنچه باطل شود و طهارت
یکمی هست بخت و فتح اینرا
بخت قبله از نماز کنی
مشت وقت اگر کنی نماز بد آن
آن نماز خطا به سلطان

در میان سلام میکند
صلوات رسول آن اول
در میان او را و تعقیبات می گویند
چون تعقیبات کشانی باز
آنچه تعیین نموده شیخ علی
بیچ تسبیح می خوانی
در میان مناسقات نماز می گوید
شماره کنون مناسقات نماز
آنچه باطل شود و طهارت
یکمی هست بخت و فتح اینرا
بخت قبله از نماز کنی
مشت وقت اگر کنی نماز بد آن
آن نماز خطا به سلطان

سنگ اگر در ده و در کعبه ای است
 شکست و مطلق و عاده صلاح
 چهل باس مکان بود مفسد
 نهفتل کشید مطلق
 بی تقیه اگر به بند بی تو
 و نجس باشد بدن نه
 گر کنی اکل و شرب هم عدا
 جزو عاده نماز و قرآن هم
 اگر از آن قبله و دیگر دانی
 در شود و جسی زیاده کم
 مطلق است اگر کسی کند عدا
 کیری از بهر و نیت نیست محل
 عدم خطییر گفت و پس از آن
 بر کسی کم شود و اگر چه زیاد
 پیش و ن یاد و کعبه است
 منطقتا مطلق نماز بدن
 خون سکه طویل و غیر محل
 باطل است و قیاس نیست
 ناشوئی مشو نماز گذار
 باطل است آن نماز نیست
 هر دو و هر ست مطلق است نیم
 باطل است آن نماز نادانی
 نیمه تطبیق کشف عورت نیم
 هر کس تا شوی زحل نما
 نسبت عدا آخره مطلق
 هم نمودن چو رکنی از ارکان
 عید فعل محصل نمودن باو
 منطقتا مطلق نماز بدن

عدم خط اولین و پنج قول صد و بیست و پنج
پس بقول ندادن فرصت یا تقاضا که مانع فرصت
در میان شکایات نماز میکند
صورت شک بر این است آنچه واجب شود و گفتن
در میان دو رسته و در هر یک بعد اكمال سجده تین شک
بر سه رکعت بنا بر این بقیام چون یکی تمام
در تراشک میان سه چهار نشود و بر چهار در
پس دو رکعت شسته یا یکا ایستاده گزار بی ای بر
سک بود و در میان و چهار ثمن بنا بر چهار می لدا
بعد اتمام آن نماز بخوان ایستاده دو رکعت ایستاده
در میان دو رسته است بعد اكمال سجده تین یا جا
ثمن بنا بر چهار و گویایم پس دو رکعت گزار جان تمام
هم دو رکعت شسته یا یکا منته از حکم بشرع هر ثمن
در میان چهار و پنج در یک میشود و حکم هر یکی بی شک
بعد اتمام آن دو سجده است نیست کن جتباط آن بی

در میان شک بر این است آنچه واجب شود و گفتن
در میان دو رسته و در هر یک بعد اكمال سجده تین شک
بر سه رکعت بنا بر این بقیام چون یکی تمام
در تراشک میان سه چهار نشود و بر چهار در
پس دو رکعت شسته یا یکا ایستاده گزار بی ای بر
سک بود و در میان و چهار ثمن بنا بر چهار می لدا
بعد اتمام آن نماز بخوان ایستاده دو رکعت ایستاده
در میان دو رسته است بعد اكمال سجده تین یا جا
ثمن بنا بر چهار و گویایم پس دو رکعت گزار جان تمام
هم دو رکعت شسته یا یکا منته از حکم بشرع هر ثمن
در میان چهار و پنج در یک میشود و حکم هر یکی بی شک
بعد اتمام آن دو سجده است نیست کن جتباط آن بی

در میان شک بر این است آنچه واجب شود و گفتن
در میان دو رسته و در هر یک بعد اكمال سجده تین شک
بر سه رکعت بنا بر این بقیام چون یکی تمام
در تراشک میان سه چهار نشود و بر چهار در
پس دو رکعت شسته یا یکا ایستاده گزار بی ای بر
سک بود و در میان و چهار ثمن بنا بر چهار می لدا
بعد اتمام آن نماز بخوان ایستاده دو رکعت ایستاده
در میان دو رسته است بعد اكمال سجده تین یا جا
ثمن بنا بر چهار و گویایم پس دو رکعت گزار جان تمام
هم دو رکعت شسته یا یکا منته از حکم بشرع هر ثمن
در میان چهار و پنج در یک میشود و حکم هر یکی بی شک
بعد اتمام آن دو سجده است نیست کن جتباط آن بی

در چمن شکست لب رکوع
از تن تمام احوط اندک حال
آوردی بحدیثین سهو سجا
هم نماز خودت داده نما
و حقیقت شکست خاطر
بر تو پیش از رکوع طاهر
شکست شکست ساجدها
حقا طاعت کشید و ساجدها
بر که این نسخه انگشتین
با کد از دست این پیر
یا فطنی نظم کرد این کلمات
و شش خدا او بد و رجات

شام



۷۹۹

این نسخه را از کتابخانه
مجلس شورای ملی
کتابخانه مجلس شورای ملی
کتابخانه مجلس شورای ملی
کتابخانه مجلس شورای ملی

